

تحلیل سیاسی

و چیزهایی که باید درباره آن دانست

w w w . y a l d a n e t w o r k . o r g



تحلیل سیاسی

و چیزهایی که باید درباره آن دانست

درآمد:

این نوشه تحلیل سیاسی مورد کند و کاو قرار میگیرد. با این پرسش شروع میکیم که تحلیل سیاسی چیست و به کار چه کسانی میآید. برای این منظور پس از طرح کارکردهای عمومی تحلیل سیاسی، و نیاز به تحلیل سیاسی، انواع تحلیل سیاسی از هم تفکیک میشود و سپس تحلیل سیاسی با انواع دیگر سخن سیاسی مقایسه شود. پس از طرح این کلیات که چشم‌اندازی گستردگی از تحلیل سیاسی به دست می‌دهد، جزئیات فنیتر مورد بحث قرار میگیرد. ابتدا عناصر تحلیل سیاسی بررسی میشود که عبارت‌اند از خبر و منطق. سپس منابع تحلیل سیاسی تشریح می‌شود و بر این نکته انگشت گذاشته می‌شود که در کنار منابعی که برای استفاده در تحلیل سیاسی مورد استفاده قرار می‌گیرد، خود تحلیل سیاسی نیز از پیرامون خود، از جهان ذهنی آدمیان گرفته تا جهان منافع عینی آنها، تاثیر می‌پذیرد. در میانه‌ی راه از تکنیک‌هایی که برای تحلیل سیاسی مفید هستند سخن به میان می‌آید. برای این مقصود دو



نوع تکنیک، یعنی تکنیکهای تولید و عرضه‌ی تحلیل سیاسی به صورت جداگانه، همراه با نمونه‌ها و مثالهای متفاوت تشریح می‌شود.

این نوشته برای کنشگرانی که در فعالیت‌های عمومی، اعم از سیاسی یا اجتماعی، مشارکت دارند؛

برای کسانی که تلاش می‌کنند دیگران را مسیر کنشگری هدایت کنند؛

برای کسانی که خود دستی در سیاست دارند و گروهی را نمایندگی می‌کنند؛

برای کسانی که در مقام سیاست‌گذاری یا تدوین استراتژی هستند،

راهنمایی عمومی به دست می‌دهد تا از جهان تحلیل سیاسی درکی ملموس‌تر به دست آورند، اگر خود می‌خواهند به تحلیل سیاسی دست بزنند، ملاحظاتش را در نظر داشته باشند و اگر می‌خواهند مصرف کننده‌ی تحلیل سیاسی باشند، بتوانند آن را ارزیابی کنند.

نوفمبر ۲۰۱۵ آبان ۱۳۹۴



تحلیل سیاسی چیست؟

تحلیل سیاسی حوزه‌های مختلفی را در بر می‌گیرد که لزوماً هم به سیاست به مفهوم خاص آن محدود نمی‌شود. مثلاً در امور اجرایی

و مدیریتی، بویژه در جایی که پای سیاست‌گزاری در میان باشد، تحلیل سیاسی عبارت است از :

- تفکیک و تجزیه‌ی بازیگران اصلی از همدیگر،
- یعنی تحلیل طرفهایی که در یک مجموعه یا در یک فرآیند سیاست‌گزاری دخیل‌اند؛
- با هدف مشخص کردن عناصر تاثیرگذار در رسیدن مجموعه‌ی شما یا سیاست‌گزاری‌های شما به هدف؛ و از این طریق
- اتخاذ شیوه‌های مناسبی برای تعامل با این بازیگران؛ تا به این ترتیب
- مسیر رسیدن به هدفها هموار شود .

اما این صرفاً درگ محدودی از تحلیل سیاسی است. تحلیل سیاسی مفهوم و سیعتری هم دارد که ناشی از مفهوم عامتری از سیاست است. به همین دلیل هم اغلب تصور می‌شود که تحلیل سیاسی به درد سیاستمداران می‌خورد یا به درد کسانی که با سیاست‌گزاری درگیرند یا به آن علاقه دارند.



تحلیل سیاسی به کار چه کسانی می‌آید؟

البته تردیدی نیست که سیاست‌مداران و دست‌اندرکاران امور سیاست‌گزاری و اجرا به تحلیل سیاسی نیاز دارند. اما به اعتباری،

همه‌ی ما، اعم از کسانی که با سیاست سروکار دارند یا به آن علاقه دارند یا ندارند، به تحلیل سیاسی نیاز داریم.

این تصور که سیاست و تحلیل آن فقط به اهل سیاست مربوط می‌شود ناشی از تصویر محدود شده‌ای است که ما از سیاست

در ذهن داریم. اما سیاست مفهوم بسیار وسیع‌تری هم از آنچه ما معمولاً فکر می‌کنیم، دارد. نیاز ما به تحلیل سیاسی نیز وقتی

بهتر فهمیده می‌شود که معنای وسیع‌تری از سیاست در نظر داشته باشیم. چون گاهی تصور می‌شود سیاست همان است که ما

ممکن‌آور رسانه‌ها در باره «سیاست» یا زیر عنوان موضوعات «سیاسی» می‌شنویم. اما بینیم مفهوم عام سیاست چیست؟

● سیاست چیست؟

- سیاست معنای وسیع‌تری هم دارد. معنای وسیع سیاست، یعنی همه‌ی آن چیزهایی که در یک جامعه به «همه‌ی ما»، یا

به « عموم»، مربوط می‌شود. آن چیزهایی که به همه‌ی ما مربوط می‌شود، «امر عمومی» نامیده می‌شود. سیاست هر

چیزی است که با امر عمومی سروکار دارد .

- با این اوصاف، اینکه بودجه‌ی سال آینده چگونه باشد همان قدر سیاسی است که تغییر محتوای کتابهای درسی یا

تصمیم‌گیری در باره‌ی راههای مبارزه با خشکسالی .

- بودجه، کتابهای درسی و خشکسالی، با آن که حوزه‌های متفاوتی از زندگی ما را تحت تاثیر قرار می‌دهند، اما همه

«سیاسی» هستند چون به «همه‌ی ما» مربوط می‌شوند، یعنی از امور « عمومی» محسوب می‌شوند که باید به شکل

همگانی یا عمومی در باره‌ی آن تصمیم گرفت .

فکر کنید:



چه موضوعات دیگری را می‌توانید فهرست کنید که در ظاهر سیاسی نیستند، اما در نهایت با سیاست، یعنی عموم، مربوط هستند

فکر کنید + بحث کنید:

چه چیزی معیار «عمومی» بودن است؟ چه معیاری امر «خصوصی» را از امر «عمومی» «متمايز می‌کند؟

برگردیم به نیاز همه‌ی ما به تحلیل سیاسی. اگر سیاست آن چیزی باشد که به عموم مربوط می‌شود، یعنی چیزهایی که با همه‌ی ما سروکار دارد، پس همه‌ی ما هم به تحلیل سیاسی نیاز داریم. ممکن است ما از کسانی نباشیم که قادر به تحلیل سیاسی هستیم، اما لازم است که از تحلیل‌های سیاسی موجود باخبر باشیم و بتوانیم آنها را ارزیابی کنیم.

اما ببینیم تحلیل سیاسی چیست و از آن چه کاری برمند که همه‌ی ما به آن نیاز داریم؟

تعريفی عام از تحلیل سیاسی

با اوصافی که ذکر شد، تحلیل سیاسی در نهایت عبارت است از دو سطح از بررسی و ارزیابی،

- بررسی و ارزیابی سیاست در سطح کلان، یعنی آنچه به همگان یا عموم مربوط می‌شود؛ و

- بررسی و ارزیابی نیروهای موثر در جریان یک سیاست‌گذاری معین در سطح خردتر.

در این نوشته بیشتر با تحلیل سیاسی در سطح اول سروکار خواهیم داشت.



کارکردهای عمومی تحلیل سیاسی

تحلیل سیاسی کارهای متفاوتی انجام میدهد:

اول - تحلیل سیاسی کمک میکند شما درگ درستی از صحنه‌ی سیاسی یا چیزهایی داشته باشید که با زندگی شما، به عنوان یکی از

آن «همه»، ارتباط دارد. بدون چنین درکی شما نمیتوانید بدانید:

- بحث و نزاعهای عمومی بر سر چیست؟
- اهمیت این بحث و نزاع در چیست؟
- چرا اصلاً بر سر این موضوع بحث و درگیری وجود دارد؟
- این موضوع چه ارتباطی با دیگر موضوعات سیاسی دارد؟
- طرفهای مختلف در باره این موضوع چه موضعی دارند؟
- این موضع متفاوت ناشی از چیست؟
- موضع طرفهای مختلف در این موضوع چه ارتباطی با موضع آنها در موضوعات دیگر دارد؟
- هر یک از این طرفها چه نفعی از موضع‌گیری خود میبرند؟
- از چه راههایی این بحث و درگیری ممکن است به موضع مشترک بیانجامد؟
- راه حل مورد توافق همه‌ی طرفها چیست؟
- و ...

دوم - تحلیل سیاسی به شما کمک میکند تا بهتر از این موضوع سردا آورید که منافع خودتان یا گروهی را که به آن دلبستگی دارید،

چگونه می‌توانید به شکل بهتری برآورده کنید.

سوم - تحلیل سیاسی کمک میکند شما بتوانید حضور موثرتری در سیاست یا همان عرصه‌ی عمومی داشته باشید.



چه نیازی به تحلیل سیاسی

تحلیل‌های سیاسی بسته به کاری که انجام می‌دهند نیازهای متفاوتی را برطرف می‌کنند. اجازه بدھید با تمرکز بر کسانی که با

سیاست سروکاری مستمر دارند، یا میخواهند داشته باشند نگاهی بیاندازیم به نیازهایی که تحلیل سیاسی به آنها پاسخ میدهد :

- اگر شما میخواهید یک **کنشگر سیاسی** یا اجتماعی باشید، یعنی کسی که میخواهد درگیر امر عمومی باشد یا بشود، ناچارید تصویر درستی از صحنه‌ی کنشها و واکنشهای خود داشته باشید. تحلیل سیاسی به شما کمک می‌کند، به چنین تصویری دست بیاورید تا بازیگر موثرتری باشید .
- گاهی ممکن است شما بخواهید از حد بازیگر صرف بودن فراتر بروید و دیگران را برای حضور در صحنه‌ی سیاسی، صحنه‌های بزرگ یا کوچک، ترغیب کنید تا آنها هم در حد خود کنشگری داشته باشند. برای این کار نیازمند بسیج و ترغیب دیگران هستید. **بسیج‌گری** یا **کمپین‌کردن** راهی است برای این مقصد. اگر شما فکر میکنید بدون تحلیل سیاسی درستی از اوضاع و احوالی که کمپین خود را می‌خواهید در آن راه بیاندازید میتوانید موفق باشید، بی‌تردد در اشتباه هستید .
- گاهی شما به عنوان کسی که در سیاست حضور دارد، **نماینده‌گی** جمع‌هایی کوچک یا بزرگ را بر عهده می‌گیرید. در این موارد، کم پیش نمی‌آید که خواه جمعی که به آن تعلق دارید خواه کسانی که با جمع شما سروکار دارند، از شما میخواهند نظر یا همان موضع خود را در برابر یک موضوع معین مشخص کنید. روشن است که بدون داشتن تحلیلی از موضوعی که قرار است در باره‌ی آن **موقعیت** کنید ممکن است دچار دردرس شوید یا در بهترین حالت خنثی و بی‌اثر جلوه کنید. شما دچار درسر می‌شوید اگر موقعیت‌تان به قدر کافی سنجیده و با در نظر گرفتن جنبه‌های مختلف موضوع و موقع دیگران نباشد. اگر هم دچار درسر نشوید، ممکن است تنها به بیان چیزهایی بپردازید که برای مخاطب بفایده است و اثری در عالم خارج ندارد. در صورتی که شما مستمرآ موضع دردرساز بگیرید از صحنه‌ی سیاسی بیرون رانده می‌شوید و اگر موضع خنثی بگیرید، در صحنه میمانید ولی بازیگر مهمی نخواهید بود و کسی به شما توجه نخواهد کرد .



- سطح دیگری از درگیری در سیاست، ایفای نقش در سیاست‌گزاری‌ها یا همان تدوین خطه‌شی‌هاست. سیاست‌گزاری، راه رسیدن به هدف معین را تعیین میکند. این سیاست‌گزاری ممکن است در حوزه‌ی دولت رخ دهد یا در حوزه‌ی جامعه‌ی مدنی. اما در هر حال ناگفته پیدا است که سیاست‌گزاری موفق زمانی میسر میشود که شما درک درستی از فضایی داشته باشید که سیاست‌گزاری قرار است در آن فضا محقق شود.

تحلیل سیاسی،

- برای شما امکان شناخت فضای سیاست‌گزاری بهتر را فراهم می‌کند،
- به شما کمک می‌کند طرفهای موثر در فرآیند تدوین سیاست‌گزاری را از هم تفکیک کنید؛
- منافع هر یک از آن طرفها و تضادها و توافق‌هاشان را تشخیص دهید؛
- به پیامدهای خواسته و ناخواسته‌ی سیاست‌گزاری‌های مختلف فکر کنید و در نهایت
- سیاست بهتری اتخاذ کنید یا تصویب کنید یا پیشنهاد بدهید .

- گذشته از مشارکت، بسیج‌گری، موضع‌گیری و سیاست‌گزاری، سطحی عمومی‌تر از سیاست وجود دارد که با موضوع تعیین استراتژی یا راهبرد پیوند خورده است. شما یا از جمله کسانی هستید که در کار ساختن و ترسیم و تدوین استراتژی دستی دارید، یا ناچارید استراتژیهای پیشنهادی را ارزیابی کنید. بدون داشتن تحلیل سیاسی از اوضاع و احوالی که استراتژی با آن در ارتباط است، نه قادر با ایفای نقشی موثر در تدوین استراتژی خواهید بود نه می‌توانید استراتژیهای پیشنهادی یا موجود را به درستی ارزیابی کنید.



انواع تحلیل سیاسی

بر مبنای نیاز به تحلیل سیاسی برای

کنشگری

بسیجگری

موقعگیری

سیاست گزاری

تدوین استراتژی

میتوان انواع تحلیل سیاسی را از یکدیگر جدا کرد.

ناگفته پیداست که برای تمايزگذاری میان انواع تحلیل سیاسی شیوه‌های متفاوتی وجود دارد، اما به ملاحظه‌ی استفاده‌ای که در این

نوشته مورد نظر است، نوع نیازها مبنای تفکیک انواع تحلیل سیاسی قرار گرفته است.

تحلیل سیاسی برای کنشگری سیاسی / اجتماعی

وقتی پای کنشگری سیاسی و اجتماعی در میان باشد، تحلیل سیاسی با هدف اقناع و نیز ایجاد گرایش و انگیزش برای عمل تهیه و عرضه میشود. این نوع تحلیل در عین وفاداری به واقعیت معطوف به عمل است و از این رو باید نشان دهد که شما :

- قرار است چه عملی انجام دهید؛
- چرا باید این عمل معین را انجام دهید؛
- نسبت این عمل خاص با هدفی که برای آن کنش سیاسی یا اجتماعی میکنید، چیست؛
- چرا نباید عمل دیگری انجام دهید؛
- ارتباط این عمل با فعالیتهای قبلی شما چیست؛
- این عمل به چه نتیجه‌ای باید ختم شود؛
- چقدر محتمل است که آن نتیجه به دست بیاید؛
- چه چیزهایی مانع رسیدن به نتیجه میشود؛



- ۹ این عمل چه هزینه‌هایی در بر دارد؛
- ۱۰ این عمل چه پیامدهای ناخواسته‌ای میتواند در پی داشته باشد؛

فکر کنید + بحث کنید:

خود را در قالب یک کنشگر یا فعال سیاسی و یا اجتماعی در نظر بگیرید.

- فرض کنید قرار است به عنوان کنشگر، عمل خاصی انجام دهید (مثلاً میخواهید در یک برنامه گروهی شرکت کنید، به تظاهرات بروید، در انتشار یک نشریه کمک کنید و ...)
- اکنون بینید برای هر یک از پرسش‌های ۲ تا ۹ چه پاسخی دارید؟

تحلیل سیاسی برای کمپین‌کردن

تحلیل سیاسی برای کمپین یا بسیج‌گری، با ماهیت عمل بسیج‌گری ارتباط دارد که نوعی تلاش و حرکت جمعی است. این نوع تحلیل نیز برای اقناع و جلب همدلی و مشارکت است. اما بر خلاف کنش سیاسی و اجتماعی که امری است ماهیتاً فردی (و البته ممکن است در قالب یک فعالیت گروهی انجام شود)، بسیج‌گری از شخص شما فراتر می‌رود چون هدفش بسیج کردن و برانگیختن دیگران است به عمل سیاسی و اجتماعی مشخصی که هدف کمپین شماست. از این‌رو کسانی که در یک کمپین حضور دارند نیازمند تحلیل سیاسی متفاوتی هستند. آنان نیاز دارند بدانند:

- ۱ چه گروهی را قرار است بسیج کنند؟
- ۲ این گروه از نظر سیاسی چه مشخصاتی دارند؟
- ۳ از این گروه چه کسانی بیشتر ممکن است به کمپین شما پیونددند؟
- ۴ چگونه می‌توان آنها را در مورد هدف‌ها اقناع کرد؟
- ۵ آنان را بسیج می‌کنید که به چه هدف مرحله‌ای برسند؟



- ۶ آیا کمپین مشابهی هست که به صورت رقیب شما عمل می‌کند؟
- ۷ چه گروه‌ها و افرادی ممکن است با کمپین شما مخالف باشند؟
- ۸ چه کسانی ممکن است بخواهند کمپین شما را از کار بیاندازند؟
- ۹ دولت و جامعه‌ی مدنی نسبت به کمپین شما چه موضعی دارند؟

فکر کنید + بحث کنید :

تصور کنید که شما قرار است کمپینی را بیاندازید تا تعداد زنان نماینده در مجلس را افزایش دهد.

- برای این منظور در تحلیل سیاسی خود برای موفقیت این کمپین به چه پرسش‌هایی باید پاسخ بدهید؟
- پرسش‌های شما چه تفاوت‌هایی با پرسش‌های بالا دارد؟

تحلیل سیاسی برای موضع‌گیری

وقتی شما از جانب یک جمع کوچک یا بزرگ نمایندگی پیدا می‌کند، از شما انتظار می‌رود در موارد خاصی در باره موضوعات معینی موضع‌گیری کنید. پیداست که موضع‌گیری شما باید مبتنی بر تحلیل سیاسی خاص یا عامی در ارتباط با آن موضوع باشد. در این نوع از تحلیل سیاسی شما نیاز دارید تا در مقابل سایر گروه‌های اجتماعی مقبولیت بیشتری پیدا کنید. اگر معنای عام سیاست را در نظر داشته باشید، در اینجا دیگر مهم نیست که شما در مورد موضوعی اجتماعی مثل کودکان کار موضع‌گیری می‌کنید یا در باره‌ی سیاست خارجی کشور. در همه حال شما با سیاست سروکار دارید و نیازمند تحلیل سیاسی هستید.

در این نوع تحلیل سیاسی شما نیازمند این هستید تا بدانید باید:

- ۱ چه موضعی بگیرید؟
- ۲ چگونه از موضع خود دفاع کنید؟
- ۳ چه اطلاعاتی را پشتونه‌ی موضع خود کنید؟
- ۴ چه استدلال‌هایی را برای دفاع از موضع خود انتخاب کنید؟



- ۵ موضع رقیب یا مخالف را چگونه رد کنید؟
- ۶ چگونه موضع فعلی را با موضع قبلی سازگار کنید؟
- ۷ اگر تغییر موضع غیرمنتظره‌ای دارید چگونه آن را موجه سازید؟

تحلیل سیاسی برای سیاست‌گزاری

در سیاست‌گزاری معمولاً با گروهی کم و بیش بزرگ یا دستکم با اضلاع و متفاوت سروکار داریم که قرار است برای رسیدن به هدف مشخص راهکارهای معینی پیشنهاد کنند. گاهی نیز با مجموعه‌هایی بیرون از مجموعه‌ی خود سروکار دارید که در همان موضوع معین، هدفهای متفاوتی در سر دارند و درنتیجه سیاستهای متفاوتی هم اتخاذ میکنند.

فکر کنید + بحث کنید:

موضوع تنظیم خانواده در ایران را د نظر بگیرید. در حال حاضر :

- چه هدفهای متفاوتی برای تنظیم خانواده مطرح است؟
- آیا این هدفها با هم سازگارند؟
- چه سیاستهای متفاوتی برای رسیدن به هر یک از این هدفها پیشنهاد شده است؟
- این سیاستهای متفاوت از جانب چه کسانی حمایت میشود؟
- چه کسانی از این سیاستها سود میبرند و چه کسانی زیان میبینند؟

● شما با پاسخ به این سوالهایی از این دست در واقع مشغول تحلیل سیاسی سیاستهای تنظیم خانواده در ایران هستید.

در تحلیل سیاسی برای سیاست‌گزاری هم شما به همین گونه پرسشها باید پاسخ بدھید.

۱- سیاست مورد نظر دقیقا به چه صورتی عبارت‌بندی شده است؟

۲- آیا این شیوه‌ی عبارت‌بندی مورد نظر پیش‌بیندهی نفع سیاسی گروهی خاص است؟

۳- چه کسانی مدافعان این سیاست‌اند و چه کسانی مخالف آن؟

۴- چه گروههایی از این سیاست نفع میبرند و چه کسانی سود؟



-۵ هزینه‌ها و فایده‌های سیاست مطرح شده چیست؟

-۶ چه سیاست‌های بدیلی میتوان پیشنهاد کرد؟

تحلیل سیاسی برای اتخاذ استراتژی

استراتژی (یا راهبرد) و سیاست‌گزاری گرچه ماهیت مشابهی دارند، اما از نظر کلیت همسان نیستند. معمولاً استراتژی و یا راهبرد، عامتر و چند وجهی‌تر است، اما سیاست معمولاً محدود و معطوف به یک جنبه‌ی مشخص است.

مثلاً سیاست‌های تنظیم خانواده، نوعی سیاست‌گزاری‌اند، که فقط به موضوع تعداد و نحوه‌ی فرزندآوری مربوط می‌شوند، اما در سطحی عامتر، راهکارهای مربوط به مسائل جمعیتی، نوعی راهبرد یا استراتژی به حساب می‌آیند.

به عبارت دیگر سیاست‌ها را معمولاً میتوان و حتی می‌باید از دل راهبردها بیرون کشید. به عنوان مثال، اگر قرار است، هدف کلی در مورد جمعیت کشور، حفظ توازن سنی و جنسی آن باشد، برای رسیدن به این هدف استراتژیهای مختلفی میتواند در نظر گرفت که سیاست‌های مربوط به تنظیم خانواده از جمله‌ی این سیاست‌ها هستند.

وقتی در سطح راهبردی قرار داریم، معمولاً به تحلیل‌های سیاسی کلانتری نیاز داریم. در این سطح، جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، تاریخی، نظامی، بین‌المللی و مانند آنها همه در تدوین استراتژی دخیل‌اند. از این رو در سطح استراتژیک تحلیل سیاسی لازم است به ما بگوید:

-۱ هدفهای راهبردی تا چه اندازه قابل حصول هستند؟

-۲ این هدفها، از چه مراحلی عبور می‌کنند؟

-۳ لوازم اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی این راهبردها چیست؟

-۴ راهبردهای بدیل کدام‌اند؟

-۵ هر راهبرد را از طریق چه سیاستهایی می‌شود پیش برد؟

-۶ هزینه‌ها و فایده‌های هر یک از راهبردهای مطرح شده چیست؟



- در هر یک از موارد یاد شده، تعداد و محتوای پرسش‌ها محدود به آن چه در اینجا آمده، نیست. این پرسش‌ها صرفاً جهت به دست دادن تصویری از تحلیل سیاسی بر مبنای مقصودهای متفاوت است. در هر موردی، هنگامی که بخواهید عملًا دست به کار تحلیل سیاسی بزنید، شمار و محتوای پرسش‌ها تغییر می‌کند.
- اضافه بر موارد یاد شده، تحلیل سیاسی میتواند برای تبلیغ، برای اقناع و اجماع هم استفاده شود. ماهیت تحلیل سیاسی با هدف تبلیغ و اقناع با ماهیت تحلیل سیاسی برای کنش‌گری و بسیج‌گری همپوشانی دارد.
- به همین ترتیب هنگامی که پای سیاست‌گذاری و یا اتخاذ استراتژی در میان باشد رسیدن به اجماع حداقل نیاز به اقناع دارد و در صورتی که به اجماع منتهی شود در عمل راه را برای اجرای سیاست‌گذاری‌ها و تعقیب استراتژیها تسهیل می‌کند. از این‌رو ماهیت تحلیل سیاسی برای اجماع شباهت فراوانی به تحلیل سیاسی برای سیاست‌گذاری و اتخاذ استراتژی دارد.



تحلیل سیاسی و دیگر انواع سخن سیاسی

تحلیل سیاسی تنها نوع سخن سیاسی نیست. سخن سیاسی میتواند در قالب‌های دیگر و به منظورهای دیگر هم تولید شود. سخن

سیاسی میتواند در شکل:

- نظر سیاسی
- موضوع‌گیری سیاسی
- موضوع‌گیری اجتماعی، و
- تحلیل ایدئولوژیک

نیز ظاهر شود.

پرسشی که پیش می‌آید تفاوت میان این انواع سخن سیاسی است.

چنانکه گفته شد تحلیل سیاسی در این نوشته به بررسی و ارزیابی سیاست در سطح کلان، اطلاق می‌شود. به این اعتبار هر چه به همگان یا عموم مربوط می‌شود، «سیاسی» است. اما وقتی به انواع سخن سیاسی مانند آنچه در بالا آمد نظر کنیم تفاوت‌های مهمی میان آنها و تحلیل سیاسی ظاهر می‌شود.

- نظر سیاسی، معمولاً حاکی از موافقت و مخالفت یا علاقه و عدم علاقه به یک موضوع مشخص سیاسی است که در قالب بیان سیاسی ظاهر می‌شود. مثلاً یک فرد ممکن است در مورد سیاست‌های تنظیم خانواردهی موجود نظر منفی داشته باشد و دیگری نظری مثبت. تفاوت این نوع نظر با تحلیل سیاسی این است که تحلیل سیاسی متکی به نوعی بررسی و ارزیابی از موضوع است، اما نظر لزوماً مبتنی بر ارزیابی و بررسی استوار نیست یا اگر باشد، از تحلیل سیاسی مدد می‌گیرد و به آن متکی است.

- موضوع‌گیری سیاسی و اجتماعی بخشی از عمل سیاسی و اجتماعی است که با مشخص کردن موافقت، مخالفت یا اظهار بی‌طرفی در یک موضوع یا مساله‌ی خاص مشخص می‌شود. موضوع‌گیری گرچه جنبه‌ی بیانی دارد و در قالب سخن عرضه



میشود اما نه لزوماً مبتنی بر تحلیل است نه بیانشش لازم است بعد تحلیلی داشته باشد. بسیاری از موقع، به دلیل ویژگی‌های رسانه‌ای اساساً فرصتی برای ارائه تحلیل در هنگام موضع‌گیری وجود ندارد. همانطور که پیشتر گفته شد، موضع‌گیری‌ای که مبتنی بر تحلیل سیاسی باشد امکان نفوذ بیشتری درمخاطب دارد.

- تحلیل ایدئولوژیک نوعی اعلام نظر در یک موضوع یا مساله‌ی خاص است که بر مبنای ارزش‌های ایدئولوژیک شکل گرفته و بیان می‌شود. گاهی این موضع‌گیریها خود را در قالب بیان سیاسی و ساختاری تحلیلی مخفی می‌کند، اما وقتی کالبد شکافی شود مشخص است که مبنای تحلیل، نه واقعیات یا ارزش‌های مورد توافق کلی جامعه بلکه نگرشها و ارزشها و گرایش‌های گروه مشخصی از مردم است که سعی می‌شود به عنوان نگرشها و ارزشها و گرایش‌های کل مردم جا زده شود در همه‌ی این موارد لازم است که بین تحلیل سیاسی و سایر شیوه‌های بیان سیاسی تمایز قائل شد و هر یک را به شیوه‌های متفاوت ارزیابی کرد.



عناصر یک تحلیل سیاسی

در هر تحلیل سیاسی دو عنصر اصلی وجود دارد، اول، اطلاعات و دوم، منطقی که این اطلاعات را به هم وصل میکند و از آن نتیجه‌گیری میکند. اگر تحلیل سیاسی را یک ساختمان گفتاری فرض کنیم، باید گفت خبر و اطلاعات، «ماده» و منطق «صورت» آن را تشکیل میدهند. به عبارت دیگر در یک تحلیل ما با موادی سر و کار داریم که از خبر و اطلاعات ساخته شده‌اند و با شکلی از رابطه‌ها و نسبت میان این مواد سروکار داریم که منطق حاکم بر این ساختمان گفتاری را تشکیل میدهند.

اول خبر و اطلاعات

جهان سیاست و جهان اخبار پیوندی ناگستینی دارند. خبر عنصر پایه‌ی هر نوع تحلیل سیاسی است. اما خبر میتواند راهزن هم باشد. افرادی که معمولاً اخبار زیادی در اختیار دارند، تصور میکنند و گاهی مخاطبانشان هم در این تصور با آنها همراه می‌شوند که آنان قادرند تحلیل سیاسی کنند. اما اغلب چنین نیست. نتیجه‌ی اسارت به دست اخبار، جزئی‌نگری غفلت از تصویر کلی است. خبر برای تحلیل سیاسی لازم است اما کافی نیست. خبر، بدون یک چارچوب تحلیلی قبلی، چیز زیادی به شما نمی‌گوید. بدون تحلیلی کلی‌تر از اخبار، خبرها می‌توانند گمراه کننده باشند و بدون خبر نیز تحلیل‌ها می‌توانند دور از واقعیت باشند.

رابطه‌ی خبر و تحلیل مثل رابطه‌ی مشاهده و نظریه در علم است. مشاهدات به خودی خود چیزی به ما نمی‌گویند مگر شما برای به سخن درآوردن آنها نظریه‌ای داشته باشید. این همان وضعیتی است که اخبار دارند. این نظریه است که مشاهده را معنی دار و قابل استفاده میکند. همان کاری که تحلیل با خبر میکند.

اما وقتی با خبر سروکار داریم و میخواهیم از آن برای تحلیل‌های خود بهره بگیریم لازم است چند چیز را در نظر بگیریم:

ملاحظاتی برای استفاده از خبر

۱- اطلاعات مهم و اصلی را از اطلاعات حاشیه‌ای و کم اهمیت جدا کنید.

- آیا اطلاعات اصلی موثق است؟



- آیا اطلاعات حاشیه‌ای کمکی به ارزیابی اطلاعات اصلی خبر می‌کند؟
- ۲- اعتبار منبع را ارزیابی کنید.
- آیا منبع سابقه‌ی معتبری دارد؟
- آیا منبع نسبت به خبر بی‌طرف است؟
- آیا منتشر کننده‌ی خبر ازمحتوا و جهت خبر سودی می‌برد؟
- ۳- به شیوه کسب و انتشار خبر توجه کنید.
- منبع تا چه اندازه امکان دسترسی به خبر را داشته است؟
- خبر چند دست چرخیده است؟
- در جریان گردش خبر، چه تحریف‌هایی ممکن است صورت گرفته باشد؟
- ۴- از دقت خبر مطمئن شوید.
- آیا اطلاعات درونی خبر با سایر اطلاعات موجود همساز است؟
- آیا منبع می‌توانسته دقت خبر را تضمین کند؟

استفاده از خبر و رابطه‌اش با تحلیل

برای آن که از خبر استفاده‌ی روشمندی کنید، نیاز دارید دست کم به این موارد فکر کنید:

- ۱- آیا خبر به دست آمده، بر تحلیل‌های قبلی شما تاثیری دارد؟
- ۲- آیا باید تحلیل‌های قبلی را کنار بگذارید؟
- ۳- آیا تحلیل‌های قبلی با جرح و تعدیل ناشی از به دست آوردن خبر جدید قابل دفاع هستند؟

دوم منطق



تحلیل سیاسی مثل یک ساختمان است که آجرهای آن با خبر ساخته شده‌اند. اما روی هم گذاشت آجرها و برقراری پیوند میان آنها نیازمند ملات و سیمان است. منطق همان سیمانی است که آجرهای خبری را به هم متصل میکند و به ساختمان شما شکل می‌دهد. هر قدر هم خبرهایی که مورد استفاده‌ی یک تحلیل قرار گرفته دقیق باشد، جای منطق چیدن و نتیجه‌گیری از اخبار را نمی‌گیرد. به بیان دیگر، یک تحلیل سیاسی مبتنی بر اخبار و اطلاعات درست میتواند به شکل نادرستی اخبار و اطلاعات را روی هم بچیند و یا از آن نتایج نادرست اخذ کند.

برای آنکه منطق تحلیل سیاسی از اعتبار برخوردار باشد لازم است این جنبه‌ها سنجیده شوند:

- آیا عقل سليم و شهود سیاسی ارتباط برقرار شده بین اطلاعات را قبول میکند؟
- اگر نه، چگونه میتوان تحلیل خلاف شهود را توضیح داد؟
- آیا رابطه‌ای که بین اطلاعات برقرار شده، تصنیعی و تحمیلی نیست؟
- آیا ارتباط بین اخبار و اطلاعات با اصول منطق سازگار است؟
- آیا در نتیجه‌گیری از اطلاعات و اخبار مغالطه‌ای صورت نگرفته است؟



منابع تحلیل سیاسی

از آن جا که تحلیل سیاسی بر مبنای مصالحی چون خبر و اطلاعات و تحلیلهای موجود بنا میشود، منابع تحلیل سیاسی را هم میتوان با منابع اخبار و اطلاعات و تحلیلهای یکی دانست.

بخش مهمی از این منابع، منابع خبری سازمانی‌اند، مانند خبرگزاری‌ها، رسانه‌ها و بخشی منابع فردی‌اند با این حال، منابع خبری معمولاً منبعی هم برای انتشار اطلاعات‌اند هم منبعی برای آگاه شدن از تحلیلهای موجود.

منابع خبری را به طور کلی میتوان به منابع رسمی و غیررسمی تقسیم کرد و بر حسب سازمانی یا فردی بودن بین آنها تفاوت گذاشت.

منابع رسمی سازمانی، آن دسته از منابع خبری هستند که یا دولتی محسوب میشوند یا از جانب سخنگویان مجموعه‌های غیردولتی بیان میشوند. در این موارد، در عین حال که مسؤولیت صحت خبر بر عهده‌ی تولید کننده‌ی آن است، اما تحلیل‌گر است که باید در استفاده از آنها میزان صحت و دقتش را بسنجد.

این منابع هم خبر تولید میکنند (مثال: خبرگزاری جمهوری اسلامی)، هم تحلیل ارائه میدهند (مانند صدا و سیما) هم اطلاعات تولید میکنند (مانند مرکز آمار ایران).

منابع رسمی فردی، اشاره به آن دسته از مقامات رسمی است که منبعی برای اخبار، اطلاعات و حتی تحلیلهای درون‌گروهی و درون‌سازمانی‌اند. گرچه این منابع معمولاً اطلاعاتشان به صورت آشکار درز نمیکند، اما همواره منبعی برای آن دسته از اخبار و اطلاعات‌اند که از طریق منابع سازمانی دسترسی به آنها معمولاً ممکن نیست.

منابع غیررسمی سازمانی، آن دسته از منابع خبر و اطلاعات و تحلیل هستند که به ثابتگی از یک مجموعه‌ی (غیرخبری) خاص خبر تولید نمیکنند. این منابع، میتوانند رسانه‌های جریان اصلی باشند که خبر و تحلیل منتشر— میکنند (مثال بی‌بی‌سی) یا گاهی سازمان‌هایی که اطلاعات تولید میکنند (مانند بانک جهانی).



منابع غیررسمی فردی، به افرادی اطلاق میشود که جزو مقامات رسمی نیستند اما به دلیل سابقه یا روابط خاص خود منبع اطلاعات بعض‌آ دست اولاند یا به دلیل تخصص خود منبعی برای تحلیل به حساب می‌آیند. استفاده از منبع معمولاً از طریق گفتگو و مصاحبه‌ی روشنمند انجام می‌شود.



تأثیرپذیری تحلیل سیاسی

درست است که تحلیل سیاسی را می‌توان از دیگر انواع سخن سیاسی میز داد. و درست است که تحلیل سیاسی می‌تواند از منابع خبری به عنوان پایه‌ای برای ساختن بنایی منطقی استفاده کند. اما خود تحلیل سیاسی نیز از منابع متفاوتی تأثیر می‌پذیرد. در این جهه به چهار منبع اصلی تأثیرگذاری بر تحلیلهای سیاسی اشاره می‌کنیم بی‌آنکه ادعای محدود بودن این تأثیرات به این چهار منبع در کار باشد.

سوابق شناختی:

هر تحلیلی از هر پدیده‌های طبیعی مانند آن است که شما بخواهید لباسی را که در ذهن دارید بر تن واقعیت پوشانید. لباس‌های ذهنی ما ناشی از پیشینه‌های شناختی ما هستند. این پیشینه شناختی مشحون است از باورهای زمانه، باورهای قومی، باورهای مذهبی و حتی باورهای علمی. همه‌ی این باورها بر تحلیل ما اثر می‌گذارند و لباس خاصی بر آن می‌پوشانند.

منافع:

در علم اقتصاد، انسانها موجوداتی عقلانی تصور شده‌اند که در پی پیشینه کردن سود خود هستند. این موجودات عقلانی همواره سعی دارند منافع خود را پاس بدارند. داشتن نفع در جهان خارج، و نیز تلاش برای دفاع از نفع همواره می‌تواند در دیدن و فهمیدن واقعیت تأثیر بگذارد. تحلیل سیاسی نیز از شمول این حکم مستثنی نیست.

ایدئولوژی:

ایدئولوژی در واقع آن نوع شناخت از جهان است که با منافع ما به عنوان شخص و گروه سر و کار دارد. ایدئولوژی نحوه خاصی از دیدن را در ما برمی‌انگیزد و بسیاری از نحوه‌های دیگر دیدن را در ما کور می‌کند. از این رو تحلیل سیاسی می‌تواند تحت تأثیر ایدئولوژی به تحریف واقعیت بپردازد و آن را چنان جلوه دهد که با منافع فردی یا گروهی ما همساز شود.

اطلاعات:

یکی از پایه‌های شناخت تحلیلی، اطلاعات است. اما اطلاعات برای همگان به صورتی یکسان و متقارن توزیع نمی‌شود. میزان و نوع اطلاعاتی که تحلیل‌گر دارد، کاملاً می‌تواند تحلیل سیاسی او را تحت تاثیر قرار دهد. گاهی اوقات بناهای تحلیلی رفیعی ساخته می‌شود که مبتنی بر اطلاعات نادرست یا ناقص است یا اطلاعاتی است که بنا بر منافع و ایدئولوژی به شکلی تحریف شده مورد استفاده قرار گرفته است. پیداست که در این موارد، اطلاعات متفاوت، تحلیل را هم تغییر می‌دهد.



تحلیل سیاسی از تولید تا عرضه

تحلیل سیاسی هم باید تولید شود هم باید به مخاطب ش عرضه شود. از این‌رو، فرآیند تحلیل سیاسی را می‌توان به دو فرآیند یا مقام متفاوت تقسیم کرد. فرآیندی که طی آن تحلیل سیاسی تولید می‌شود، یعنی شکل می‌گیرد و پخته می‌شود، و فرآیندی که برای عرضه به مخاطب آماده می‌شود. اکنون به تکنیک‌هایی برای این دو فرآیند اشاره می‌شود :

تکنیک‌های مفید در مقام تولید

از قدیم گفته‌اند که «حسن السوال نصف‌العلم». به بیان دیگر اگر برای تحلیل سیاسی خود پرسش‌های خوبی طرح کنید، گام اول برای تحلیل سیاسی را درست برداشته‌اید. حتی اگر شما پاسخ شایسته‌ای به سوالی که طرح کرده‌اید نداشته باشید، نقشه‌ی کلی بحث درباره‌ی آن موضوع را ترسیم کرده‌اید. برای طرح درست پرسش و پاسخ به آن این مراحل را طی کنید .

- فرض این است که شما پیش از شروع به تحلیل به اندازه‌ی کافی مطالعه کرده‌اید، تحلیل‌های دیگران را خوانده‌اید، اطلاعات لازم را جمع‌آوری کرده‌اید، آمار، ارقام مناسب را یافته‌اید .
- ۱- پرسش اصلی را که قرار است تحلیل به آن پاسخ دهد تعیین کنید.
- این سوال را تا حدی امکان به صورت دقیق صورت‌بندی کنید
- بهتر است در هر تحلیل فقط یک پرسش اصلی مطرح کنید .
- ۲- اگر پرسش‌های هم‌ترازی به عنوان پرسش اصلی دارید، رابطه‌ی آنها را با هم مشخص کنید.
- بهتر است مشخص کنید که هر پرسش چگونه ممکن است از دل پرسش دیگری زاده شود.
- نشان دهید چگونه برای پاسخ به یک پرسش باید پیشتر به پرسش مقدار دیگری پاسخ داده شود .
- ۳- پرسش‌های فرعی که قرار است تحلیل به آن پاسخ دهد را روشن کنید.
- این پرسش‌ها را دسته‌بندی کنید.



- رابطه هر دسته از پرسش‌ها را با دسته‌ی دیگر یا هر پرسش دیگر مشخص کنید.
- ۴- برای طرح مساله یک متن کوتاه بنویسید.
- بهتر است آنچه را به عنوان پرسش اصلی در نظر دارید در ترکیب با پرسش‌های اصلی دیگر یا در ارتباط با پرسش‌های فرعی به یک متن کوتاه تبدیل کنید.
- این متن کوتاه باید نشان دهد که مشا مساله را چطور طرح میکنید و قرار است چه چیزی را تحلیل کنید و توضیح دهد.
- ۵- فقرات یا همان قسمت‌های مختلف تحلیل خود را مشخص کنید.
- برای این کار می‌توانید از پرسش‌های مطرح شده استفاده کنید.
- هر پرسش یک فقره یا قسمت از متن نهایی تحلیل شما را تشکیل خواهد داد.
- برای هر فقره با استفاده از پرسش‌های مطرح شده یک عنوان در نظر بگیرید.
- ۶- برای نوشتن تحلیل از ابزارهای مفهومی استفاده کنید.
- تلاش کنید از ابزارهای مفهومی رایج و شناخته شده استفاده کنید.
- اگر ابزارهای مفهومی موجود را به شیوه‌ی غیرمعمول یا منحصر به فردی به کار می‌گیرد، آن را به روشنی مشخص کنید.
- اگر برای تحلیل‌تان ناچارید از ابزار مفهومی جدیدی استفاده کنید، آن را به روشنی تعریف کنید.
- ۷- با اطلاعات تحلیل خود را غنی‌تر کنید.
- اطلاعاتی را که جمع‌آوری کرده‌اید، در موارد لازم به تحلیل خود اضافه کنید.
- آمار، ارقام و اعدادی را که گردآوری کرده‌اید برای تقویت تحلیل خود به آن اضافه کنید.
- ۸- از پس‌زمینه‌ها برای توضیحات استفاده کنید.
- پس‌زمینه‌های تاریخی به مخاطب تحلیل شما دیدی وسیع‌تر می‌دهد.
- پس‌زمینه‌های اقتصادی کمک می‌کند رابطه‌ی سیاست و اقتصاد در کار شما دیده شود.
- پس‌زمینه‌های اجتماعی، تحلیل شما را عمقی عملی می‌بخشد.



- پس زمینه های فرهنگی نشان می دهد که شما در تحلیل خود به نگرشا و ارزشها و باورها هم به عنوان یکی از عناصر شکل دهنده هی سیاست توجه دارید.
- به سایر عناصر مرتبط هم سهمی بدھید، مثلاً به نقش نظامیان.
- عناصر مهم و اصلی را در تحلیل از عناصر فرعی جدا کنید.
- عناصر اصلی (مثلاً عنصر اقتصادی) باید بتوانند به تنها یی به پرسش مطرح شده پاسخ دهند.
- عناصر فرعی (مثلاً عنصر فرهنگی) فقط نقش کمکی دارند و برای نشان دادن برخی از جنبه هایی باید مورد استفاده قرار گیرند که عناصر اصلی قادر به توضیح آن نیستند.
- ۱۰- مقوله سازی کنید.
- برای توضیح بهتر تحلیل خود موارد مشترک را در یک مقوله بگنجانید.
- دسته بندی کنید و شباهت ها را در یک دسته قرار دهید.
- دسته بندی کنید و تفاوت ها را در یک دسته قرار دهید.
- ۱۱- معماری کنید.
- وقتی تکه ها و فقرات تحلیل خود را تدوین کردید باید آنها را به متصل کنید.
- کار اتصال فقرات مثل کار معماری است که آجرها و مصالح را به هم متصل می کند.
- غیر از آجرها و مصالح خوبی که به کار می گیرد معماری و متصل کردن آنها اهمیت بسزایی دارد.



تحلیل سیاسی را چطور باید عرضه کرد؟

شما همه‌ی نکاتی را که برای یک تحلیل سیاسی خوب لازم است مراعات کرده‌اید و در نهایت تحلیل‌تان آماده است. اما آیا کار پایان

گرفته است؟

کار تحلیل سیاسی وقتی پایان می‌گیرد که به دست مصرف‌کننده‌ی نهایی آن برسد. کسی برای این تحلیل سیاسی نمی‌کند که آن را در ذهن خود یا قفسه‌ی کتابخانه‌اش بایگانی کند. اگر چنین است، تازه مرحله‌ی مهمتری مطرح می‌شود که نحوه‌ی عرضه‌ی تحلیل سیاسی است. هر قدر هم تحلیل شما خوب باشد اگر برای مصرف‌کننده‌ی نهایی به درستی بسته بندی نشود، قابل مصرف نخواهد بود. این مصرف‌کننده‌ی نهایی، همان مخاطب تحلیل سیاسی شماست. برای بهتر عرضه کردن تحلیل سیاسی، صرفاً به سه بعد مهم

اشاره می‌کنیم :

مخاطب

مهمترین عنصر تعیین کننده برای تشخیص نحوه‌ی عرضه‌ی تحلیل سیاسی مخاطب آن است. از خود پرسید گروه مخاطبی که هدف اصلی ارائه‌ی تحلیل شماست،

- چه کسانی هستند؟
- چه مشخصاتی دارند؟
- به چه دلیل باید به تحلیل شما گوش بدهند یا آن را بخوانند و بینند؟
- تحلیل شما چه تاثیری قرار است بر آنها بگذارد؟

رسانه

غیر از مخاطب عنصر مهم دیگر، رسانه است. اگر شما قرار نیست به صورت رودرو با مخاطب تحلیل خود را ارائه کنید، پس حتما از طریق یک وسیله آن را به مخاطب‌تان خواهید رساند، وسیله‌ای که با اصطلاح فنی «رسانه» از آن نام برده می‌شود.



این که شما می‌خواهید تحلیل خود را از طریق چه رسانه‌ای به مخاطب برسانید برای شما تعیین می‌کند که :

- حجم و اندازه‌ی تحلیل‌تان چقدر باشد؛
- به چه قسمت‌هایی تقسیم شود؛
- هر یک از عناصر متنی، دیداری و شنیداری در آن چه مقدار و چگونه نقشی داشته باشند.

به علاوه، در استفاده از رسانه، باید این ملاحظات را هم در نظر داشته باشید :

- رسانه در ارتباط با مخاطب هدف یا همان مخاطب مورد نظر از چه اعتباری برخوردار است؟
- سابقه و تصویری که از رسانه‌ی مورد استفاده وجود دارد، چه تاثیری بر عرضه‌ی تحلیل شما می‌گذارد؟
- رسانه چه نسبتی با حکومت و دولت بر سر کار دارد؟
- آیا تحلیل شما در فضای مجازی و از طریق رسانه‌های اجتماعی منتشر می‌شود یا از طریق رسانه‌های همگانی؟
- آیا مخاطب آن بیشتر ایرانیان داخل کشورند یا ایرانیان خارج کشور؟

زمانبندی

تحلیل سیاسی وابستگی زیادی به زمان دارد. تحلیلی که امروز درست جلوه می‌کند، فردا ممکن است مقبول نباشد. تحلیلی که امروز همه برای باخبر شدنش سر و دست می‌شکند ممکن است فردا خریداری پیدا نکند. تحلیل سیاسی مثل تحلیل شعر شعرای کلاسیک نیست که زمان در عرضه‌ی آن نقش اساسی نداشته باشد. تحلیل سیاسی باید به موقع عرضه شود.

جنبه‌ی دیگر زمانبندی، به زمانبندی درونی تحلیل سیاسی مربوط می‌شود، یعنی این که

- شما برای عرضه‌ی تحلیل سیاسی چقدر از وقت خواننده، شنونده یا بیننده را می‌خواهید بگیرید؟
- برای هر قسمت چه اندازه وقت اختصاص میدهید؟
- روی چه قسمت‌هایی می‌خواهید تاکید کنید و چه اندازه؟
- قسمت‌های مهم‌تر را در آغاز می‌آورید یا در پایان؟
- چطور در طول زمان، توجه مخاطب را با خود نگه می‌دارید؟



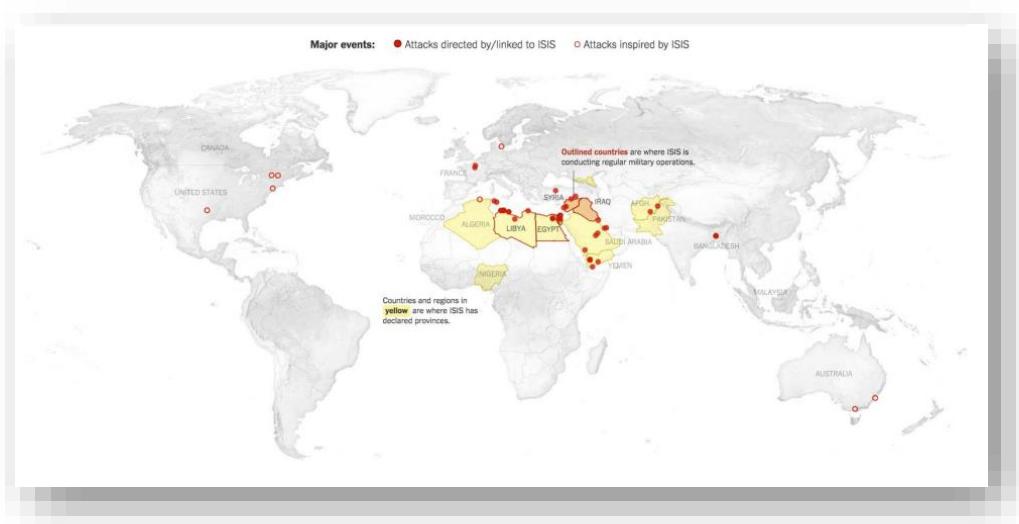
تکنیک‌های مفید برای عرضه

در ارائه‌ی یک تحلیل سیاسی استفاده از تکنیک‌هایی که ارتباط بهتری با مخاطب برقرار می‌کند می‌تواند بسیار مفید باشد. امروزه با وجود امکانی چون فضای مجازی به عنوان یک زیرساخت رسانه‌ای، استفاده از تکنیک‌های چند رسانه‌ای امری ضروری شده است. در اینجا ۳ صد نداریم جنبه‌ای فنی چند رسانه‌ای را به بحث بگذاریم، بلکه غرض اشاراتی است به آن دسته از فنونی که برای نمایش بهتر تحلیل شما کمک‌کار خواهد بود، خواه به شکل مکتوب خواه در شکل‌های امروزی‌تر ارائه‌ی نظرها.

نقشه

غیر از نقشه‌های مرسوم جغرافیایی که به کار ترسیم بهتر یک وضعیت سیاسی (چه در بعد بین‌المللی چه در بعد محلی) مدد می‌رساند، می‌توان از نقشه‌ها برای نمایش بصری و خلاصه سازی یک موقعیت که در تحلیل به آن اشاره می‌شود یا گاهی پایه‌ی اطلاعاتی تحلیل قرار می‌گیرد، استفاده کرد.

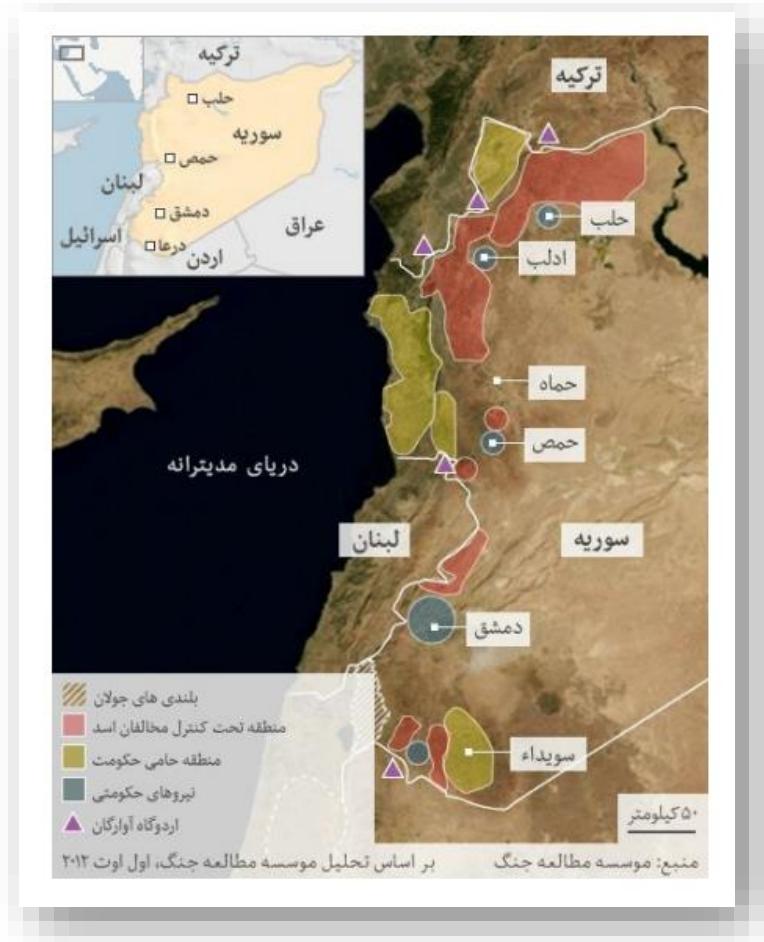
نقشه زیر، به عنوان مثال، نشان میدهد که حملاتی که داعش مستقیماً یا غیرمستقیم در آن نقش داشته، در چه مناطقی از جهان رخداده است.

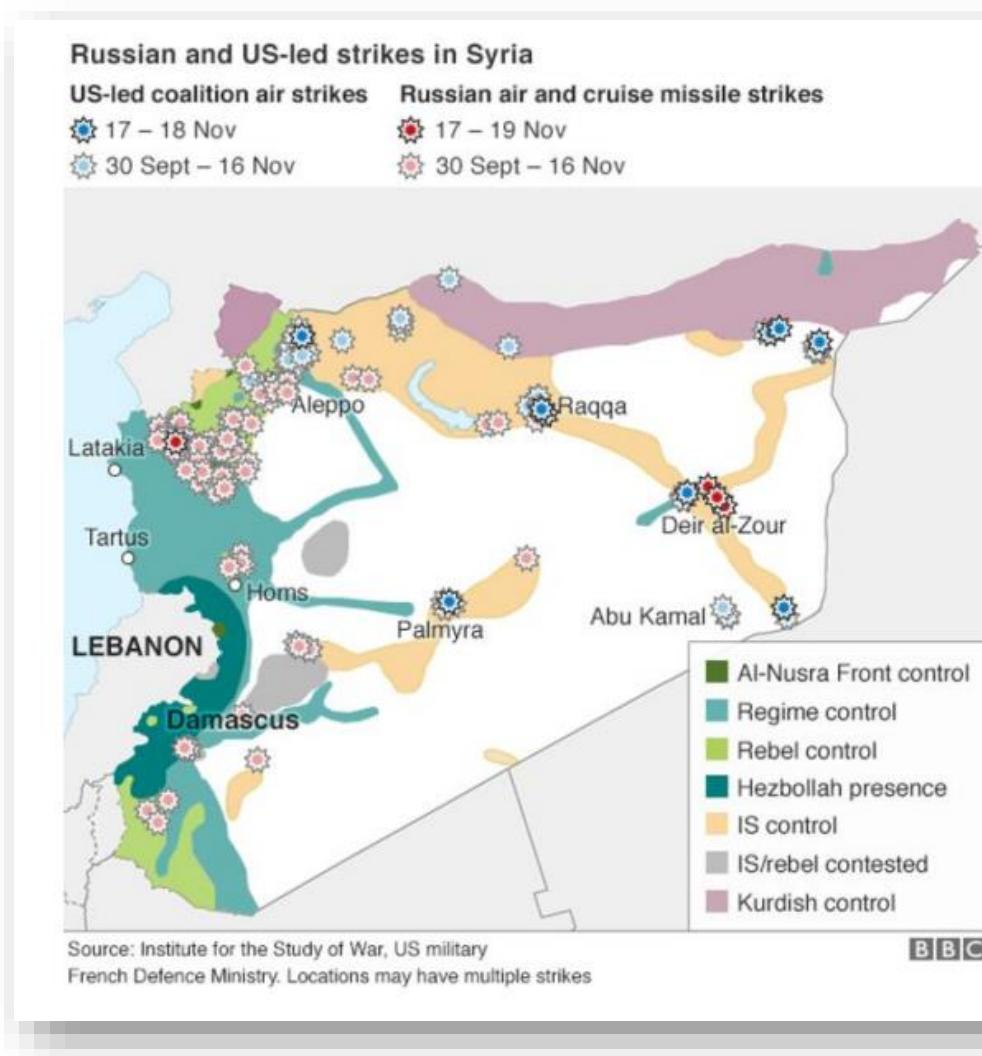


این نقشه به راحتی میتواند جانشین انبوهای از کلمات بشود و تحلیل را برای مخاطب جذاب‌تر و ماندگارتر کند.

نقشه‌های مقایسه‌ای

در مواردی دیگر برای نشان دادن تحولات و روندهای مرتبط با یک موضوع میتوان از همین نقشه‌ها به صورت مقایسه‌ای استفاده کرد. مثلاً، تحولات سوریه و نبرد میان حکومت با مخالفان مسلح در سال‌های اخیر تغییرات چشمگیری داشته و مخالفان به عنوان نیرویی که اکنون فقط یک تهدید منطقه‌ای محسوب نمی‌شوند، در طول سه سال گذشته رشد چشمگیر و گسترش جغرافیایی زیادی یافته‌اند. دو نقشه زیر این تحولات را به صورت مقایسه‌ای نشان میدهد. اگر به تکنیک‌های ترسیم نقشه دسترسی داشته باشد، می‌توانید این تحولات را در یک نقشه‌ی واحد به صورت گرافیکی نمایش دهید:





برای دیدن یک نمونه‌ی پیشرفته‌تر این نقشه را ببینید :

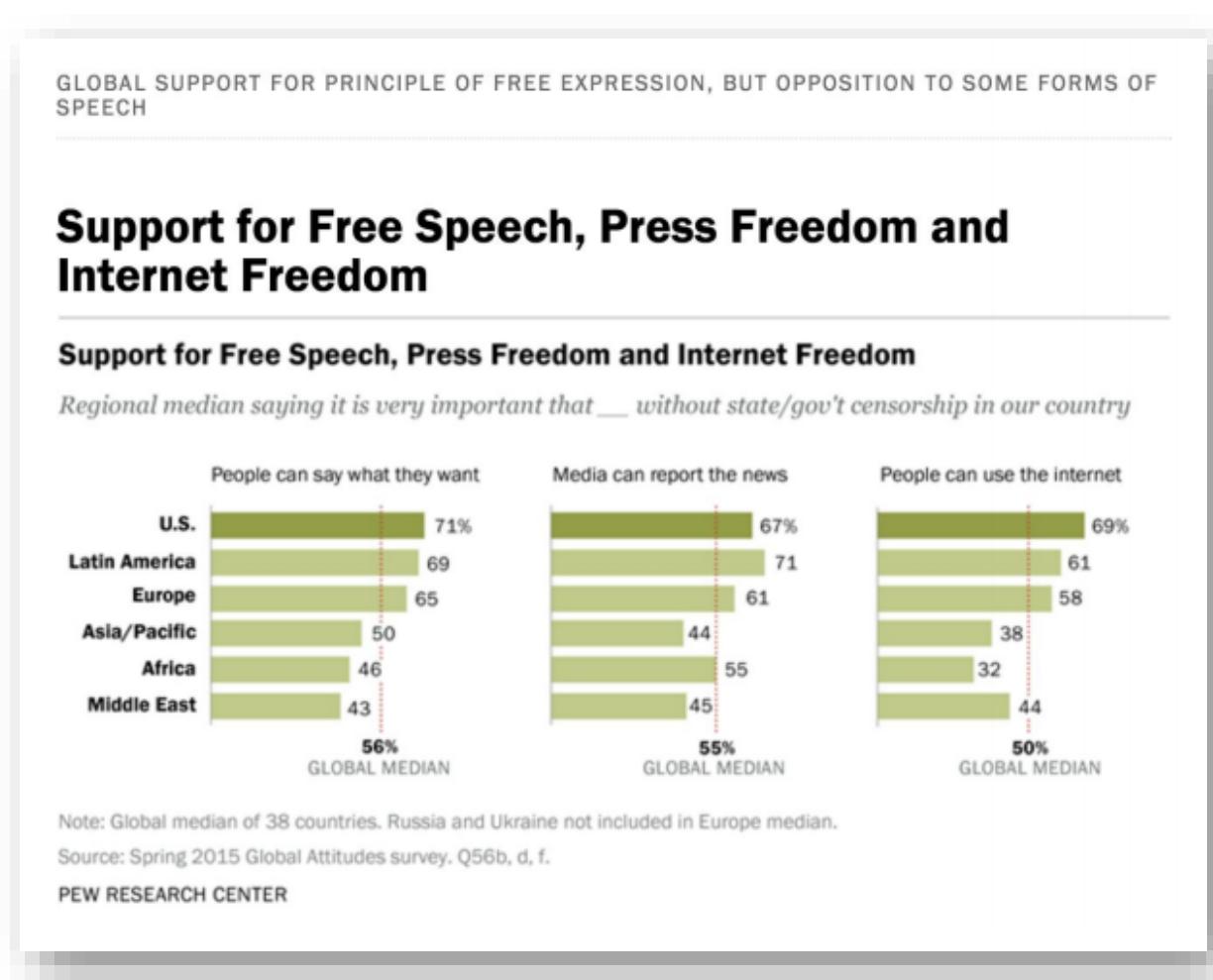
http://www.nytimes.com/interactive/2015/11/21/world/middleeast/insideraq_qacapitalofisis.html



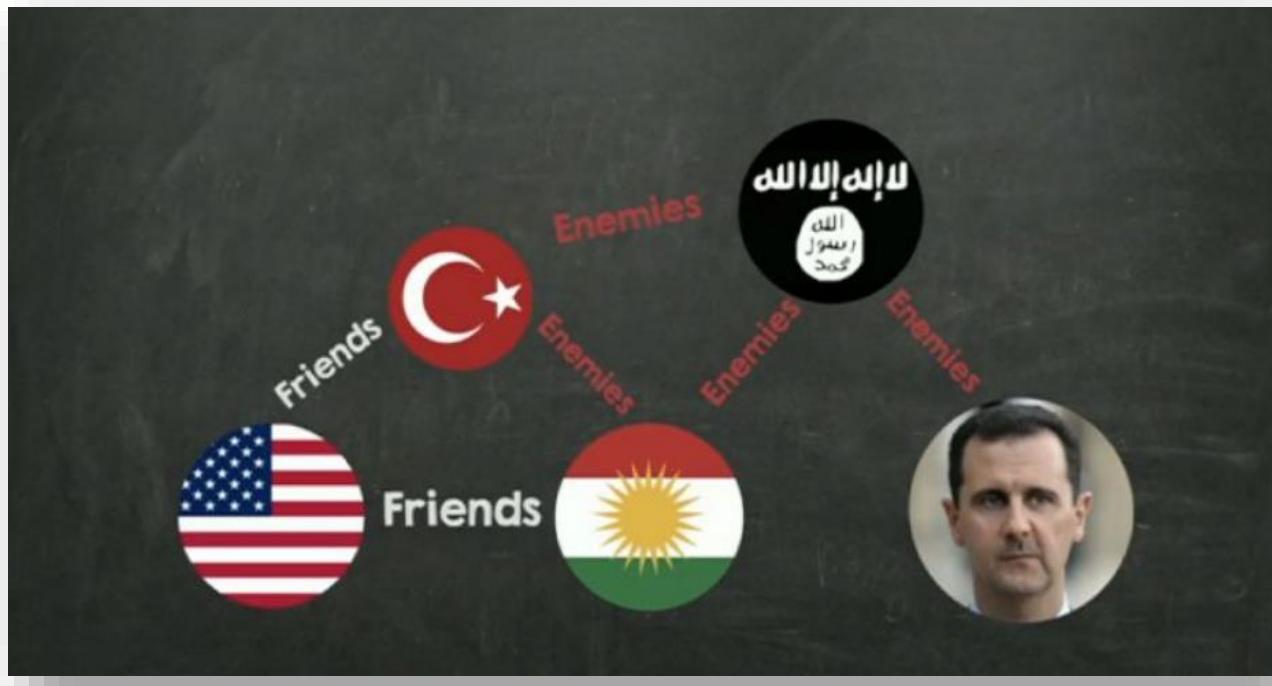
نمودار

نمودارها نیز همانند نقشه معمولاً نقش مکمل و خلاصه‌کننده‌ای برای تحلیل سیاسی ایفا می‌کنند. تفاوت در این است که نمودارها، بویژه در مواردی که با عدد و رقم سروکار داشته باشند، دقیق‌ترند و بهتر می‌توان از آنها به عنوان پایه‌ی اطلاعاتی تحلیل استفاده کرد.

مثلث نمودار زیر را در نظر بگیرید. این نمودار با استفاده از عدد و رقم‌هایی مشخص تصویری جهانی از موضوع‌گیری مردم در مورد آزادی بیان می‌دهد، که برای مباحث و تحلیلهای سیاسی زمینه‌ای اساسی است، بویژه در ارتباط به موضوع دموکراسی، دموکراتیک شده و نیز انتخابات.



نمونه‌ی دیگر نمودارهایی است که در آنها از عدد و رقم خبری نیست، اما به درک یک موضوع در تحلیل سیاسی کمک می‌کند. نمودار زیر را در نظر بگیرید. در این نمونه، رابطه‌ی طرفهای درگیر در مناقشه‌ی سوریه در یک نمودار خلاصه شده است. استفاده از این تکنیک در خلاصه‌سازی انبوهی از نوشت‌های مفید خواهد بود.



تهیه شده توسط بی‌بی‌سی

ترسیم جدول

یکی دیگر از تکنیک‌های خلاصه‌سازی و تصویرسازی از محتوای تحلیل سیاسی، استفاده از جدول است. جدول‌ها امکان می‌دهند که یک موضوع از حشو و زوائد غیر ضروری پیراسته شود و لب کلام را در اختیار مخاطب قرار دهد. استفاده از جدول نه تنها به کسانی که مصدر تحلیل‌گری سیاسی هستند کمک می‌کند ذهن و داده‌های خود را منظم کنند، بلکه به مخاطب هم امکان می‌دهد با ذهنیتی منظم تحلیل سیاسی را دنبال، ارزیابی و نقد کند.



جدول زیر یک نمونه از شیوه‌ی استفاده از تکنیک را نشان می‌دهد. در این جدول سعی شده است اختلافها و اشتراکهای دو طیف سیاسی عمدۀ در ایران امروز، یعنی اصلاحطلبان و اصولگرایان را در چند موضوع مهم سیاسی خلاصه کند. بدیهی است که در این مورد نیز محتوای جدول ممکن است از نظر همگان قابل قبول نباشد، اما مقصود در اینجا بیشتر استفاده از تکنیک است که می‌تواند با محتواهای متفاوتی دنبال شود.

تفاوت‌های اصلاحطلبان و اصولگرایان در گزیده‌های از موضوعات مهم

آزادی بیان	آزادی اقتصادی	آزادی‌های اجتماعی	نظارت بر انتخابات	اختیارات ولایت فقیه	طیف سیاسی
نسبتاً موافق	نسبتاً موافق	نسبتاً موافق	مخالف نظارت استصوابی	در چارچوب قانون اساسی	اصلاحطلبان
نسبتاً مخالف	نسبتاً موافق	نسبتاً مخالف	موافق نظارت استصوابی	فراتر از قانون اساسی	اصولگرایان

فکر کنید + بحث کنید :

یکی از دو لینک زیر را باز کنید. مطلب مربوط را بخوانید و در هر مورد جدولی برای خلاصه‌سازی و ترسیم بهتر تفاوت‌ها و شباهت‌ها تهیه کنید. لینک اول به اختلافات و اشتراکات دو نامزد قبلی ریاست‌جمهوری آمریکا رد زمینه‌ی سیاست خارجی می‌پردازد و لینک دوم به تفاوت‌ها و شباهت‌های داعش و القاعده:

<http://goo.gl/SZlulh>

<http://goo.gl/KpaME1>

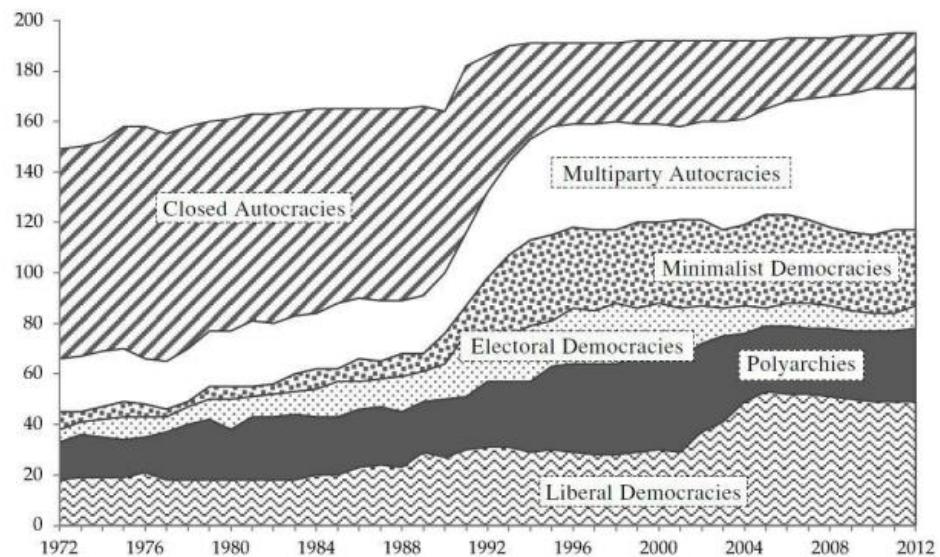
ترسیم روندها

غیر از نمودارهایی که ممکن است یک وضعیت مشخص را در زمانی معین ذشان دهند، تحولات یک موضوع نیز از جنبه‌های مهم تحلیل سیاسی است. این جنبه را نمودارهایی که روندهای یک موضوع را تماش می‌دهند بهتر می‌توانند بیان کنند.



به نمودار زیر نگاه کنید. این نمودار روند رو به رشد دموکراتیک شدن کشورها را در ۴ دهه‌ی اخیر نشان میدهد، روندی که به موج سوم دموکراسی مشهور شده است. این نوع از روندهای عام کمک زیادی می‌کنند تا زمینه‌ی کلی تحلیل سیاسی روشن‌تر باشد و تصویری وسیع‌تر از موضوع مورد بررسی در اختیار تحلیلگر و همچنین مخاطب قرار گیرد.

**FIGURE 1—GLOBAL DISTRIBUTION OF POLITICAL REGIMES,
1972–2012**



در تحلیل سیاسی چه نکنیم؟

تحلیل سیاسی، مثل هر نوع تلاش نظری دیگر برای فهم واقعیت عینی یا پیش‌بینی اوضاع و احوال آینده می‌تواند دچار آفت‌ها و آسیب‌هایی شود. این آسیب‌ها و آفت‌ها در حوزه‌ی سیاست و تحلیل سیاسی ممکن است به صورت شدیدتری ظاهر شود، زیرا غالب کسانی که با سیاست و تحلیل سیاسی سروکار دارند معمولاً نسبت به اوضاع و احوالی که آن را تحلیل می‌کنند، بی‌طرف نیستند. این فقدان بی‌طرفی خود را در شکل‌های متفاوتی نشان می‌دهد، خواه در مقام تولید تحلیل سیاسی، خواه در مقام عرضه‌ی آن برای دیگران.

نگاهی بیاندازیم به برخی از مهم‌ترین این افتها و خطاهایی که از این ناحیه ناشی می‌شود، خطاهایی که تحلیل سیاسی درست باید بکوشد از آنها بری باشد.

خطاهای تحلیل سیاسی در مقام تولید

تقارن را با علیت اشتباه نکنیم.

وقتی دو یا چند اتفاق همزمان رخ میدهند؛ یا

یکی با فاصله‌ی کوتاهی از دیگر اتفاق‌ها رخ می‌دهد؛ یا

چند اتفاق از نظر موضوع با هم ارتباط دارند؛ یا

عناصر دخیل در آن اتفاقات با یکدیگر نسبت دارند؛

ما با پدیده‌ی تقارن روبرو هستیم. به این اعتبار، تقارن‌ها غالب خصلت هم‌زمانی دارند، یعنی در یک زمان نزدیک و مرتبط رخ می‌دهند یا از نظر موضوعی و عناصر سازنده با هم مرتبط‌اند. اما زیاد پیش می‌آید که تحلیل‌گران سیاسی این تقارن‌ها را با علیت



اشتباه می‌گیرند. به این معنی که وقوع یک رخداد را قبل از رخداد دیگر، صرفاً به دلیل تقارن زمانی یا موضوعی، علت رخداد بعدی می‌گیرند. این شیوه‌ی تحلیل رابطه‌ی نزدیکی با ذهنیت و تحلیل‌های توطئه‌آمیز دارد.

به عنوان مثال زیاد پیش می‌آید که در رسانه‌های ایرانی هنگامی که روز قدس سرمی‌رسد و اتفاقی در جایی دیگر از جهان رخ می‌دهد که اخبار این روز را تحت الشعاع قرار می‌دهد، تحلیلگران (ممولاً رسمی) می‌گویند که آن اتفاق به این دلیل رخ داده و رسانه‌ها به آن پرداخته‌اند تا اخبار روز قدس را کمنگ کنند. اما در بسیاری موارد این دو رویداد فقط همزمانی دارند و نمی‌شود چنین.

فکر کنید :

چند حادثه‌ی سیاسی را می‌توانید مثال بزنید که در آنها بتوان پدیده‌ی تقارن زمانی را مشاهده کرد.

معلول و علت را جا به جا نکنیم

در تحلیل سیاسی، بویژه وقتی با منافع معرفتی و عینی سر و کار داریم کم پیش نمی‌آید که تحلیلگران جای علت و معلول را عوض می‌کنند و تصویری وارونه از واقعیت ارائه می‌کنند. مثلاً گاهی هدفی را که قرار است یک نیروی سیاسی یا یک دولت به آن برسد، یعنی چیزی که قرار است در آینده به وقوع بپیوندد، علت یک عملکرد مشخص به حساب می‌آورند. حال آن که معلول همواره مقدم بر علت است نه موخر بر آن.

فکر کنید + بحث کنید:

اخیراً سخنرانی آقای موسوی لاری وزیر سابق کشور در ورامین مورد حمله قرار گرفت. این تحلیل را بخوانید و توضیح دهید چگونه علت و معلول جای همدیگر را گرفته‌اند؟

<http://ssweekly.ir/category/getpages/>

آرزو اندیشی را به جای واقع‌نگری نگذاریم

افراد درگیر سیاست معمولاً هدفهایی را در نظر دارند و برای رسیدن به آن تلاش می‌کنند. هنگامی که دستیابی به این هدفها به تأخیر می‌افتد یا با شکست مواجه می‌شود، رسیدن به آنها به شکل آرزو درمی‌آید. تفاوت آرزو و هدف را می‌توان از این جنبه برجسته کرد که هدفها اغلب اموری هستند که در حالت معمول قابل دستیابی و واقع‌بینانه به نظر می‌رسند، اما آرزوها در واقع به اعتباری همان هدفهای ناکام شده‌ای هستند که ممکن است یکی از دلایل ناکامی شان اتفاقاً همان غیر واقع‌بینانه بودنشان بوده باشد.

آرزو اندیشی از همین بابت راهزن تحلیل است، چرا که آرزوها را به جای واقعیات می‌نشانند. یعنی چیزهایی را که وجود ندارند، یا وجود یافتن آنها در آینده‌ی قابل پیش‌بینی امکان‌پذیر به نظر نمی‌رسد، به جای واقعیات می‌گیرد. آن گاه بر مبنای همین ارزوهای وجود واقعیات، ساختمان تحلیل بنا می‌شود.

فکر کنید + بحث کنید :

به مواردی که در زیر می‌آید فکر کنید و ببیند کدام موارد از افت آرزو اندیشی آسیب دیده‌اند.

- اکثریت مردم مخالف جمهوری اسلامی‌اند.
- مردم ایران مسلمان‌اند و حکومتی می‌خواهند که بر مبنای اسلام عمل کند.
- مردم ایران در انتخابات آینده شرکت نمی‌کنند.
- مردم ایران طرفدار یک زندگی سکولارند.
- مردم ایران راستگو و طالب حقیقت‌اند.

فکر کنید:



چه مواردی دیگری از این دست را دیده‌اید که در تحلیل‌های سیاسی استفاده شده یا حتی مبنای تحلیل یک وضعیت قرار گرفته است؟

وجود توطئه را با توطئه اندیشی یکسان نگیریم

تردیدی نیست که جهان انسانی پر است از توطئه. وقتی پای سیاست و منافع در میان باشد، بیداست که بازار توطئه پرونق‌تر هم می‌شود. وجود توطئه و توطئه‌گران برخی را به این خیال انداخته است که جهان سیاست فقط جهان توطئه‌هاست و پشت هر اتفاقی باید دست توطئه‌گری را سراغ گرفت. «نظریه‌ی توطئه» مرهون همین توطئه‌اندیشی است.

اما بسیاری از اتفاقات (اگر نگوییم بیشتر آنها) معلول طرح و توطئه و برنامه‌ریزی توطئه‌گران نیست. برای بسیاری از این رخدادها دلایل پیش پا افتاده‌تری وجود دارد که البته به اندازه‌ی یافتن دستهای پنهان توطئه‌گران جذاب نیست. اما اگر به داستان‌های جنایی علاقه دارید، آن را وارد تحلیل سیاسی نکنید. تحلیل سیاسی، برای درک واقعیت است نه برای درamatیزه کردن و معماهی جلوه دادن و جذاب‌تر کردن داستان سیاست.

گاهی یکی از بازیگران یا چند بازیگر برای این که اتفاقی رخ بدهد طرح و برنامه می‌ریزند و توطئه می‌کنند. اما این بازیگران لزوماً از توطئه‌های یکدیگر با خبر نیستند یا مایل یا قادر به هماهنگ کردن آن نیستند. به عبارت دیگر، در برخی موارد که ممکن است توطئه‌ای هم وجود داشته باشد، نمی‌توان برای آن یک فاعل مرکزی و منفرد قائل شد.

فکر کنید + بحث کنید:

بسیار گفته می‌شود که مثلاً آنچه در ایران بی‌بند وباری جنسی نامیده شده، محصول «توطئه‌ی غرب» است. از منظر بحث فوق این نظر را چگونه می‌شود ارزیابی کرد؟



نفع معرفتی را کنترل کنیم

انسان با ذهن خالی به سراغ فهمیدن واقعیت نمی‌رود. ذهن ما انبانی از ادراکات پیشین ماست که معرفت کنونی ما را تشکیل میدهد. کم پیش نمی‌آید که ما به دلیل خو گرفتن با بخشی از معرفت خود، به آن دلبستگی پیدا می‌کنیم. مثل کسی که به یک ایدئولوژی معین گرایش پیدا می‌کند و دلبستگی‌اش به آن از دریچه‌ی همان ایدئولوژی بنگرد.

بدتر از آن، پیش می‌آید که دفاع از یک موضع معرفتی مشخص با هویت اجتماعی ما هم پیوند می‌خورد. در این حالت، عدول از این موضع معرفتی مانند زیرپا گذاشتن هویت اجتماعی به حساب می‌آید، عملی که از جانب فرد ممکن است درناک باشد و از جانب دیگران با عناوینی چون خیانت تنبیه شود. در این موارد کاملاً محتمل است که تحلیل سیاسی ما اسیر نفع معرفتی ما شود. یعنی نفع ما در این باشد که وقایع را در تحلیل خود به گونه‌ای سازمان بدھیم که با معرفتی که از آن دفاع می‌کنیم ناسازگار نباشد و اگر هم ناسازگار افتاد با ترفندهای مختلف یا آن را نادیده بگیریم یا تحریف کنیم. این امر در نهایت با آن که معرفت ما را موقتاً آبرومند نگه می‌دارد، اما تحلیل ما را از وثاقت و اعتبار ساقط می‌کند.

نفع عینی تحلیل شما را عوض نکند

کاهی به جز نفع معرفتی که جنبه‌ای نسبتاً ذهنی دارد، زندگی ما با منافعی عینی هم پیوند می‌خورد. در این که همهی ما منافعی عینی داریم تردید نیست. در این که ما نمی‌توانیم براحتی منافع عینی خود را زیر پا بگذاریم هم کمتر تردیدی وجود دارد. موضوع فقط کنترل آن است. تحلیل سیاسی در مقام تولید برای آن نیست که ما واقعیت را عوض کنیم و نفع عینی خود را پیش ببریم. تحلیل سیاسی برای این است که ما تا سرحد امکان واقعیت را بشناسیم و بعد از شناخت نسبتاً درستی که به دست آورده‌ایم برای پیشبرد منافع عینی خود استفاده کنیم.

این که در مقام عرضه‌ی تحلیل سیاسی (خصوصاً از جانب سیاستمداران) تحلیل چگونه عرضه شود تا منافع عینی ما یا گروهی که به آن دلبستگی داریم به خطر نیافتد، موضوعی دیگر است که نباید باعث شود در مقام تولید تحلیل از پشت عینک منافع عینی خود



جهان را بنگریم و تجزیه و تحلیل کنیم . مشکل دیگر این قبیل تحلیل‌ها این است که اغلب سریع‌تر از آن که تصور شود، بی‌اعتباریش بر ملا می‌شود و اعتبار تحلیل و تحلیل‌گر را به مخاطره می‌اندازد .

ذات‌انگاری نکنیم

در برخی تحلیل‌ها از امور و جریان‌های سیاسی چنان سخن می‌رود که گویی این امور از لی و ابدی‌اند و ذات آن پدیده به حساب آمده‌اند. مثلاً گفته می‌شود که اصول‌گرایان یا روحانیان چنین‌اند یا چنان. مادام که این قبیل صفات به عنوان ویژگی‌های متمایز کننده‌ی این عده از دیگران به کار می‌رود می‌تواند به عنوان یک ابزار مفهومی مفید باشد. اما اگر آنها به مثابه‌ی صفاتی در نظر گرفته شوند که همواره این گروه‌ها الصاق شده و از آنها جدایی ناپذیر است، آنگاه تحلیل شما از ذات‌انگاری رنج می‌برد. امور و پدیده‌های اجتماعی و سیاسی در طول زمان ساخته شده‌اند و در طول زمان تغییر کرده و تغییر هم خواهند کرد. به این معنا نه از لی‌اند (بی آغاز نیستند) نه ابدی (بی فرجام نیستند)، در حالی که «ذات»‌ها بنا به تعریف ثابت و تغییر ناپذیرند و زمانی جدای از خود پدیده ندارند و همیشه با آن همراهند .

فکر کنید :

به این دو گزاره فکر کنید و ببیند در چه شرایطی می‌توان آنها را ذات‌انگارانه قلمداد کرد:

○ استکبار جهانی گرگ صفت است.

○ جمهوری اسلامی رژیم سرکوبگر است.



خطاهای تحلیل سیاسی در مقام عرضه

خبرمحوری

تحلیل‌های وجود دارند که از آغاز تا پایان بر محور خبر می‌چرخند. در این تحلیل‌ها ردپایی از آن منطقی که این خبرها را انتخاب می‌کند و با چینشی معمارانه آنها را به هم متصل می‌کند و نتیجه‌گیری می‌کند خبری نیست. این قبیل تحلیل‌های خبر محور، با تحلیل سیاسی درست فاصله دارند. اگر شما دارید چنین تحلیلی عرضه می‌کنید، تحلیل سیاسی را با بخش خبری رسانه‌ها اشتباه گرفته‌اید.

دراز نویسی

زندگی در جهان فستفودی شده و شتابناک کنونی، حوصله‌ای برای صرف وقت طولانی برای مصرف رسانه‌های و حتی ارتباط چهره به چهره باقی نگذاشته است. مخاطبان نه حوصله‌ی مدت طولانی پای منبر نشستن دارند نه میخکوب تحلیل شما در یک شبکه‌ی تلویزیونی می‌شوند نه وقت زیادی را در یک صفحه‌ی اینترنتی می‌گذرانند. پس هر قدر تحلیل شما طولانی تر باشد، شанс همراهی مخاطب با شما بیشتر کاهش می‌یابد.

حاشیه روی

همان قدر که دراز نویسی می‌تواند به حال تحلیل شما مضر باشد، حاشیه‌روی و غفلت از طرح موضوع اصلی نیز می‌تواند مخاطب شما را فراری دهد. مخاطب معمولاً دنبال همان چیزی است که تحلیل سیاسی قرار است آن را برآورده کند، یعنی پاسخ به پرسش اصلی‌ای که مطرح شده است، خواه این پرسش را خود تحلیلگر به میان آورده باشد، خواه در فضای سیاسی وجود داشته باشد، خواه در میان گروهی (مثلًا کنشگران، بسیجگران، سیاست‌گذاران و استراتژیستها) مطرح باشد. رفقن به حاشیه و پرهیز از پرداختن به اصل موضوع، گرچه گاهی جذاب است، اما اصل را فدای فرع می‌کند.



مبهم‌نویسی

مبهم‌نویسی و مبهم‌گویی گاهی به مثابه‌ی راهی فرار از موضع گیری سیاسی به حساب می‌آید. اما وقتی پای تحلیل سیاسی در میان است ابهام کمکی به مخاطب نمی‌کند. تحلیل سیاسی قرار است به پرسش یا پرسش‌های خاص پاسخ دهد، یعنی قرار است در نهایت ابهام‌زدایی کند. اگر قرار باشد تحلیل سیاسی به جای ابهام زدایی به مبهم‌گویی میدان دهد نه تنها خود را از خاصیت می‌اندازد، بلکه از هدف هم دورتر می‌کند و مخاطب را ناراضی رها می‌کند.

دشوارنویسی

پناه بردن به دشوارنویسی و مغلق‌گویی همسایه‌ی دیوار به دیوار مبهم نویسی است. گاهی تحلیل‌گران پشت نقاب دشوارنویسی، ضعف تحلیل خود را پنهان می‌کنند. مخاطب چنین تحلیل‌گرانی ممکن است برای مدتی مفتون پیچیدگی‌های ظاهرًا مهمی بشود که گویی در پس کلمات دشوار پنهان شده‌اند و باید کشف شوند، اما پس از مدتی این شیوه بی اثر می‌شود. همان طور که مبهم‌نویسی تحلیل سیاسی را از راه به در می‌کند، دشوار نویسی هم تحلیل سیاسی را به بیراهه می‌کشاند. دشوارنویسی، مخاطب را از فهمیدن و ارتباط برقرار کردن با تحلیل‌گر خسته و نامید می‌کند. اگر قرار است تحلیل سیاسی پاسخی به پرسش‌های موجود باشد، باید آنقدر روشن و مشخص باشد که مخاطب از درک آن احساس ناتوانی نکند.

رعب‌انگیز نویسی

برخی تحلیل‌های سیاسی و برخی تحلیل‌گران چنان از اطلاعات، نامه‌ای افراد بزرگ، اعداد و ارقام، اصطلاحات فنی و تخصصی استفاده می‌کنند که در دل مخاطب وحشت می‌اندازد. مخاطب خود را فردی بی‌اطلاع تصور می‌کند که با تحلیل‌گر فاصله‌ای نجومی دارد. در این حال قدرت رعب‌انگیز تحلیل‌گر قدرت ارزیابی مخاطب را منکوب می‌کند. ممکن است مخاطب در مقابل چنین قدرتی سر تعظیم فرود آورد اما در همان حال چیزی هم از تحلیلی که با او فاصله‌ای چنین زیاد دارد سر در نخواهد آورد. به این ترتیب باری تحلیل سیاسی در عمل به مقصد نمیرسد.



● منابع :

این فهرست شامل منابعی است که برای تهیهٔ این نوشهٔ از آنها استفاده شده است. مطالعهٔ آنها برای اطلاع تفصیلی از مباحثی که در اینجا به صورت فشرده عرضه شده، مفید تواند بود.

- "Mapping Political Context: A Toolkit for Civil Society rganisations." *Mapping Political Context: A Toolkit for Civil Society Organisations*. N.p., n.d. Web. 29 Nov. 2015.
- Yaffee, Steven, and David Chadwick. "Political Analysis For Collaborative Process Managers: Thinking Strategically About The External Environment." *Ecosystem Management Initiative* (2004): n. pag. University of California San Francisco. University of Michigan, 2004. Web.
- "Critical Path Analysis." The Change Agency. N.p., n.d. Web.
- "Naming political assumptions" The Change Agency. N.p., n.d. Web.
- What is your political vision? The Change Agency. N.p., n.d. Web.
- Tools for Institutional, Political, and Social Analysis of Policy Reform: A Sourcebook for Development Practitioners. Washington, DC: World Bank, 2007. Web.
- Goodin, Robert E., and Charles Tilly. *The Oxford Handbook of Contextual Political Analysis*. Oxford: Oxford UP, 2006. Print.
- Obeng, Samuel Gyasi., and Beverly Hartford. *Political Discourse Analysis*. New York: Nova Science, 2008. Print.
- Chilton, Paul A. *Analysing Political Discourse: Theory and Practice*. London: Routledge, 2004. Print.
- "Peter A. Hall." *Government 2009: Methods of Political Analysis*", Professor Peter A. Hall , Political Economist. N.p., n.d. Web. 29 Nov. 2015.
- Minogue, Kenneth R. *Politics: A Very Short Introduction*. Oxford: Oxford UP, 1995. Print.
- Baumgartner, Professor Frank R., Fall 2002, Wednesdays 25 Pm, 316 Burrowes, and Office: 107 Burrowes, Phone 863 1449, Email. The Pennsylvania State University Department of Political Science Political Science 501, Methods of Political Analysis (n.d.): n. pag. Web.



- Cutright, Phillips. "National Political Development: Measurement and Analysis." *American Sociological Review* 28.2 (1963): 253. Web.

سیدمحمدعلی حسینی زاده: نظریه گفتمان و تحلیل سیاسی، *فصلنامه علوم سیاسی*، سال هفتم، شماره ۴ (پیاپی ۲۸)، زمستان ۱۳۸۳، ص ۱۸۱.

- مانهایم، جس بی، ریچارد سی: *فرآیند پژوهش در تجزیه و تحلیل علمی سیاست*، ترجمه مصطفی ایمانی، ابوالفضل دلاوری، حیدر سینایی، اطلاعات سیاسی اقتصادی شماره ۱۰۶-۱۰۷ ص ۱۱۳-۱۰۶.

سریع‌القلم، محمود: *ماهیت تحقیق در علم سیاست و علم روابط بین‌الملل*، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۰۸-۱۰۷ ص ۲۳ - ۱۸.

